

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
Applying Approaches Driven from the Facades of Historic Houses to
the Facades of New Buildings
(Case Study: Historic Houses of Tabriz)
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

رهیافت‌هایی از نمای خانه‌های تاریخی جهت به‌کارگیری در نمای ساختمان‌های نوساز (نمونه موردی: خانه‌های تاریخی تبریز)

باقر پورجواد اصل^۱، حامد بی‌تی^{۲*}

۱. کارشناس ارشد مرمت و احیای بنا و بافت‌های تاریخی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
۲. استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۲/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۰۲

چکیده

بیان مسئله: امروزه یکی از مسائل بسیار مهم در بافت شهری و به‌ویژه بافت تاریخی- فرهنگی هر شهر، نمای ساختمان‌های نوساز است. خانه‌های تاریخی یکی از گنجینه‌های ارزشمند معماری هستند که می‌توان از تجارب آنها در نمای ساختمان‌های نوساز استفاده کرد. با وجود اهمیت این موضوع و ضرورت دستیابی به الگوهای معماری نمای خانه‌های تاریخی، امروزه مطالعات پراکنده و اندکی در این زمینه وجود دارد. پژوهش حاضر با الگوشناسی نمای خانه‌های تاریخی تبریز در پی پاسخگویی به چگونگی بهره‌مندی از نمای خانه‌های تاریخی، در طراحی نمای ساختمان‌های نوساز است.

هدف پژوهش: این تحقیق به دنبال آگاهی از عناصر و جزئیات معماری نمای خانه‌های تاریخی به منظور استخراج الگوها و شیوه‌های به‌کاررفته در نمای آنها است تا بتوان با بهره‌مندی از وضعیت موجود نمای خانه‌های تاریخی، الگوهای جدیدی برای ساختمان‌های نوساز ارائه داد و درعین حال زمینه بهره‌برداری نادرست از قابلیت‌های کالبدی نماهای تاریخی در نماهای مرسوم امروزی را از بین برد.

روش پژوهش: در این راستا با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی به توصیف و تفسیر وضعیت و عناصر موجود در نمای خانه‌های تاریخی و منتخب پژوهش پرداخته و با کسب اطلاعات مورد نیاز از دو روش کتابخانه‌ای و میدانی، تحلیل‌های مربوط به اجزا و عناصر تشکیل‌دهنده نمای خانه‌های تاریخی انجام می‌شود.

نتیجه‌گیری: نتیجه پژوهش به نحوه استفاده از الگوها و عناصر حاصل از تحلیل‌های فوق در نمای ساختمان‌های نوساز مربوط است. به عبارتی در این پژوهش پس از الگوشناسی نمای خانه‌های تاریخی و شناسایی عناصر کالبدی و زیبایی‌شناختی آنها، مؤلفه‌های کارا در نمای ساختمان‌های نوساز معرفی شده‌اند.

واژگان کلیدی: نما، خانه‌های تاریخی تبریز، الگوشناسی نما، ساختمان‌های نوساز، تداوم معماری.

مقدمه

راه‌حل‌های پیشنهادی از سوی صاحب‌نظران در راستای ساماندهی و بهبود وضعیت نمای ساختمان‌های نوساز به‌ویژه در محدوده‌های شهری-تاریخی است. به طوری که در تمامی ضوابط و دستورالعمل‌های ارائه‌شده در این زمینه می‌توان عبارات مشابهی از قبیل صیانت از هویت ایرانی و اسلامی و یا حفظ هویت معماری و شهرسازی^۱ را مشاهده کرد. این در حالی است که به دلیل عدم تبیین مفاهیم مذکور در منابع یادشده، موضوع حفاظت و بهره‌مندی از

وجود مصالح متعدد با رنگ‌ها و نقش‌های متنوع و ترکیب‌های گوناگون آنها براساس الگوها و سلیقه‌های مختلف، امروزه موجب نگرانی متخصصان حوزه معماری و تلاش به برنامه‌ریزی از سوی مدیران شهری در حیطة نمای ساختمان‌های نوساز شده است. بهره‌مندی از تجارب تاریخی و سرمایه‌های معماری بومی، همواره یکی از

* نویسنده مسئول: h.beyti@tabriziau.ac.ir، ۰۹۱۴۴۴۰۴۶۴۳

در عین حال توجه به زمینه‌های تاریخی آنها سخن گفته‌اند. در میان منابع داخلی با اینکه نمای خانه‌های تاریخی و نمای ساختمان‌های نوساز دو زمینه پژوهشی پرکاربرد در معماری هستند، ولی پژوهشی که به نحوه ارتباط بین این دو بپردازد وجود ندارد. موضوعات پژوهشی در دو زمینه یادشده دارای گستردگی وسیعی هستند. گونه‌شناسی، زیبایی‌شناسی، شناخت عوامل مؤثر، تأثیرپذیری‌ها، عناصر تشکیل‌دهنده و پدیدارشناسی موضوعاتی هستند که پژوهشگران در ارتباط با نماهای نوساز به آنها پرداخته‌اند. همچنین دسترسی به پژوهش‌های انجام یافته در خصوص گونه‌شناسی نمای خانه‌های تاریخی در شهرهای مختلف ایران امکان‌پذیر است. در ارتباط با الگوشناسی نمای خانه‌های تاریخی تبریز می‌توان به پژوهش علی اصل ممقانی و محمدزاده (۱۳۹۳) اشاره کرد که با بررسی سیر تحول نمای ساختمان‌های مسکونی در دوره‌های قاجار، پهلوی اول و دوم در شهر تبریز، به بیان نقاط اشتراک و افتراق سه دوره مذکور پرداخته و جهت منظم‌سازی و کاهش بی‌نظمی نماهای عصر حاضر و زیباسازی آنها راهکارهایی ارائه می‌دهند. یکی از نکات مهم در الگوشناسی نمای خانه‌های تاریخی تبریز، سطوح و لایه‌های تشکیل‌دهنده آنها است. وحدت‌طلب، یاران و محمدی خوش‌بین (۱۳۹۷، ۶۶) در پژوهشی با سطح‌بندی نمای خانه‌های تاریخی تبریز و تعیین ضریب عددی برای انواع تخلخل (پُروخالی) به عنوان یک کیفیت بصری در ارزیابی‌های زیبایی‌شناسانه از جداره‌های معماری، به اندازه‌گیری کمی آنها پرداخته‌اند. حق‌جو، سلطان‌زاده، تهرانی و آیوازیان (۱۳۹۸، ۱۲۱) در مقاله‌ای مرتبط با خانه‌های تاریخی تبریز، با انتخاب نمونه‌هایی، اندام‌های پلانی آنها را مورد بررسی قرار داده و به الگوهای رایج نماها نیز می‌پردازند. در این پژوهش نگارندگان بدون اشاره به جزئیات الگوها، تأثیرات خطوط پلانی خانه‌ها را در نمای آنها مورد توجه قرار داده‌اند. همچنین عناصر مؤثر در سازماندهی نمای خانه‌های تاریخی تبریز را می‌توان در پژوهش بابازاده اسکویی و پاکروان (۱۳۹۰)، مشاهده کرد.

در پژوهش‌های اشاره‌شده در ارتباط با نمای خانه‌های تاریخی تبریز، علی‌رغم اینکه در هیچکدام الگوشناسی معینی از نماها وجود ندارد، پژوهشگران به‌طور غیرمستقیم الگوها را مبتنی بر دوره‌های تاریخی دانسته‌اند. در تحقیق حاضر ضمن تدقیق این موضوع و تکمیل آن، چگونگی استفاده از عناصر نمایی خانه‌های تاریخی در ساختمان‌های نوساز نیز مورد توجه قرار گرفته است.

مبانی نظری امروزه با وجود همه پیشرفت‌های حاصل‌شده در ساختمان‌سازی و تغییرات موجود در زمینه‌های مربوط

قابلیت‌های نمای ابنیه تاریخی، همواره به‌عنوان موضوعی آشکار و پنهان در جامعه معماری کشور است. از جمله موارد مربوط به بُعد آشکار این موضوع استفاده معماران از عناصر و جزئیات نمای ابنیه تاریخی در ساختمان‌های نوساز، و بُعد پنهان آن در نحوه استفاده و موارد مربوط به آن است. بنابراین در راستای جامعه عمل پوشاندن به کاربرد نمای ابنیه تاریخی در طراحی نمای نوساز، این تحقیق خانه‌های تاریخی را به‌عنوان یکی از زمینه‌های توانمند در نما، مورد بازشناسی و تحلیل قرار داده است. خانه‌های تاریخی تبریز در میان آثار معماری تاریخی ثبت‌شده در فهرست میراث ملی کشور، سهم بالایی را به خود اختصاص داده‌اند (نژادابراهیمی، نارنگی، بی‌تی، کی‌نژاد و پورجواد اصل، ۱۳۹۳). این امر که ناشی از وجود خصوصیات والای معماری و زیبایی‌شناختی در خانه‌های قاجاری و پهلوی بازمانده در زمان حال است، منبعی غنی و ارزشمند برای متخصصان معماری محسوب می‌شود، تا با بازخوانی و استخراج الگوها و شیوه‌های به‌کاررفته در ترکیب‌بندی معماری آنها، زمینه‌های تداوم تجارب معماری را در گونه‌های مختلف آن فراهم کنند. بنابراین فرضیه پژوهش حاضر مبتنی بر آگاهی از الگوهای حاکم بر نمای خانه‌های تاریخی و شناخت عناصر و اجزای موجود در آنها به منظور ارائه راهکارهایی در طراحی نمای ابنیه نوساز است. در این راستا سؤالات مطرح در این تحقیق را می‌توان شامل موارد زیر دانست.

- چه الگوهای بارزی در نمای خانه‌های تاریخی تبریز قابل شناسایی هستند؟
- نمای خانه‌های تاریخی تبریز از چه عناصر و اجزایی تشکیل شده‌اند؟
- در نمای ساختمان‌های نوساز چگونه می‌توان از خصوصیات نمای خانه‌های تاریخی استفاده کرد؟

پیشینه تحقیق

در میان منابع خارجی پژوهش‌هایی در خصوص طراحی نمای ساختمان‌های نوساز در بخش تاریخی شهرها، با تکیه بر خصوصیات خانه‌های تاریخی، دستورالعمل‌های طراحی ارائه کرده‌اند. تهیه این دستورالعمل‌ها توسط نهادهای مختلفی همچون یونسکو، ایکوموس و کشورهای عضو شورای اروپا و صاحب‌نظران دانشگاهی از سال ۱۹۳۱ م. تا امروز ادامه داشته است. به عنوان مثال شاه‌تیموری و مظاهریان (۱۳۹۱، ۲۹) با بررسی برخی از منابع مذکور، عوامل کاربری، حجم و مقیاس، مصالح، جزئیات اجرایی، جانمایی و شکل کلی خانه‌های تاریخی را در نمای ساختمان نوساز، مؤثر یاد کرده‌اند. همچنین فیلدن و یوکیلتو (۱۳۸۶، ۱۲۴) از ضرورت انطباق ساخت‌وسازهای جدید با روح زمانه حاضر و

عناصر باز می‌شده است، را می‌توان تأثیر درونگرایی در نمای خانه‌ها یاد کرد (معماریان، ۱۳۷۵، ۸).

طبق سنت دیرین معماری درونگرایی ایرانی، تمامی فضاهای داخلی خانه‌های تاریخی در تبریز بدون ارتباط مستقیم با معابر و گذرهای عمومی، رو به حیاط اندرونی و بیرونی خانه دارند. در این الگو با مرکز قرار گرفتن فضاهای باز و شکل‌گیری و انتظام فضاهای بسته حول آن [حیاط] در خانه‌ها [تبریز] زمینه‌ساز قرارگیری طبیعت در قلب خانه ایجاد شده است (بیتی، ۱۳۸۹، ۶۳). کنت دوسرسی در سفرنامه خود درباره خانه‌های تبریز نوشته است: «در واقع دو طرف کوچه‌ها دیوارهای بلندی کشیده شده و فقط میانشان سوراخ کوچکی است که تنها به یک نفر برای ورود به خانه راه می‌دهد ولی همین که از این مدخل تنگ و پست عبور کردیم وارد حیاط‌هایی می‌شویم که همیشه مزین به درخت و گل است یا باغ‌هایی که باصفا و سرسبز است» (کنت دوسرسی، ۱۳۹۰، ۸۹). در خانه‌های تاریخی تبریز، جبهه شمال حیاط به علت مسائل اقلیمی منطقه و نیاز به استفاده از آفتاب در فصل‌های سرد سال و همچنین نورگیری مناسب، مورد توجه بوده است و عموماً فضاهای اصلی زندگی در این جبهه قرار دارند (کی‌نژاد و شیرازی، ۱۳۸۹، ۱۲). به همین دلیل نمای جبهه شمال حیاط (رو به جنوب) در خانه‌های تاریخی تبریز به ویژه در خانه‌های قاجاری، نمای اصلی محسوب می‌شود و نسبت به دیگر نماها از خصوصیات کالبدی بارزی برخوردار هستند. نحوه ترکیب عناصر و اجزا با ترکیبات متنوع، رنگ و تزیینات و ... در این نماها به گونه‌ای متفاوت و متناسب با منظوری است که فضا برای آن خلق شده است (اهری، ۱۳۸۰، ۳۳۲). به عبارتی، یکی از مشخصه‌های نمای اصلی، انعکاس خطوط اصلی پلان در نمای خانه است (حق‌جو، سلطان‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸، ۱۳۶).

روش تحقیق

تحقیق حاضر در تلاش است تا عناصر و مفاهیم موجود در نمای خانه‌های تاریخی را بازخوانی و تحلیل کند. بنابراین از نظر فرایند اجرایی، تحقیقی کیفی و مبتنی بر متغیرهایی است که بیشتر ماهیت انتزاعی (ذهنی) دارند. همچنین با تکیه بر اهداف موردنظر، روش انجام این تحقیق جهت شناسایی اصول مشترک حاکم بر نماهای خانه‌های تاریخی تبریز و امکان ارائه الگوها معینی از آنها روش، توصیفی-تحلیلی و به صورت اکتشافی جهت ارائه مولفه‌هایی است که در طراحی و اجرای نماهای ساختمان‌های نوساز می‌توانند کارا و مؤثر واقع شوند. نتایج حاصل‌شده از این تحقیق به جهت تأمین بخشی از نیازمندی‌های موجود در زمینه‌های

به مصالح مصرفی، فنون ساخت‌وساز و سبک و شیوه‌های معماری، منشورهایی نیز در خصوص توجه به مفهوم «اهمیت معنایی» وجود دارند که در شهرهای تاریخی ویژگی‌های متمایز خود را از ارزش‌های تاریخی، هنری، زیبایی‌شناختی، فرهنگی و ... کسب می‌کنند (ICOMOS، ۲۰۰۵). بنابراین تمامی تغییرات باید با هدف حفظ اهمیت معنایی و ویژگی‌های متمایز مدیریت شود. به عبارتی با پذیرش این مهم که بُعد تغییر، لازمه ذات پویایی شهری است بایستی برای تداوم فرهنگ، سنت‌ها و ارزش‌های معماری نیز تلاش کرد و تغییر را در عین تداوم وضعیت ثابت، مدنظر قرار داد (فدائی‌نژاد و عشرتی، ۱۳۹۳). نمای ابنیه نوساز به‌عنوان بخش قابل رویت معماری ساختمان در معابر شهری در انطباق با ذات پویایی معماری، می‌تواند در گذر زمان و نسبت به سنت‌های معماری دچار تغییراتی در موارد مختلف شود، با این وجود به منظور تداوم معماری بایستی از اصالت نیز برخوردار باشد. در این حوزه اصالت به مثابه عامل مهم کنترل و تعیین صلاحیت در ارتباط با ارزش‌ها محسوب می‌شود (پوربهادر و فدائی‌نژاد، ۱۳۹۷). مرور منابع مربوط به معماری تاریخی ایران همراه با مطالعات میدانی، بازنمایی ارزش‌های معماری در نمای ابنیه تاریخی را فراهم می‌سازد و با بهره‌مندی از آنها می‌توان در مسیر حفظ اصالت نمای ابنیه نوساز و تعیین صلاحیت آنها در ارتباط با ارزش‌های معماری تاریخی گام مهمی برداشته و زمینه تداوم معماری کشور را ایجاد کرد. در این امر خانه به عنوان مهمترین بخش از معماری هر شهر، نقش مهمی را ایفا می‌کند. در ارتباط با وضعیت جداره‌ها و نمای خانه‌های تاریخی در منابع معماری تاریخی ایران اشاره شده است که در گذشته عبور از یک محله به محله دیگر به دلیل نشانه‌های مخصوص به هر یک، مشهود بوده است (سلطان‌زاده، ۱۳۸۹، ۸۶). با این حال خانه‌های تاریخی از جهت ارتفاع، حجم، مواد و مصالح و تزیینات خارجی نمادی هماهنگ، متعادل و متناسب هستند و در مجموع از سادگی، متانت و هماهنگی برخوردارند و خودنمایی و تظاهر در حداقل خود است (نقره‌کار، ۱۳۸۷، ۵۳۴). یکی از بارزترین مشخصه‌های معماری خانه‌های تاریخی ایران درونگرایی است و ارزش واقعی بنا به جوهر و هسته باطنی آن داده شده است (معماریان، ۱۳۷۵، ۶). درونگرایی معماری ایرانی سبب شده تا تأکید و تزیین در نما و کالبد بیرونی بسیار محتاطانه و تنها در اطراف درب ورودی، تغییری در ظاهر سردر آن انجام گیرد (موسوی، ۱۳۹۲). همچنین مواردی از جمله ۱- نداشتن ارتباط بصری مستقیم فضاهای داخل خانه با فضای شهری بیرون خود؛ ۲- سازماندهی فضاهای مختلف خانه با حیاط و یا صفه‌های سرپوشیده به نحوی که روزنه‌ها و بازوها به طرف این

با اُرسی یا پنجره‌های طنابی، پنجره‌های کوچک دهلیزها و ایوان فضاهای گوشوار (کله‌ای)، با فاصله اندکی از نمای فضای نیمه‌باز ستوندار، در لایه دوم نمایی قرار دارند.

ترکیب نمایی یادشده که در این مطالعه با عنوان الگوی رواق ستوندار نامیده شده است، به دلیل جلوگیری از ورود مستقیم نور شدید خورشید در تابستان و سرمای سخت زمستان، پاسخگویی خوبی به شرایط اقلیمی تبریز داشته است. همچنین این الگو به دلیل چندلایه‌ای بودن، از کیفیت بصری بالایی برخوردار است.

در بررسی نمونه‌های متعدد از خانه‌های عصر قاجار تبریز که با این الگو قابل رؤیت هستند، می‌توان به شیوه‌های متفاوتی از آن دست یافت. معماران زبردست عصر قاجار با استفاده از روش‌های ساخت متنوع در احداث فضای نیمه‌باز، شیوه‌های متنوعی را در این الگو پدید آورده‌اند. رایج‌ترین شیوه اجرایی، ایجاد ستون‌های سرتاسری است. در بیشتر خانه‌ها ستون‌ها به‌طور یکپارچه روبه‌روی کل طبقات خانه قرار گرفته‌اند. در برخی از خانه‌ها نیز، ستون‌های فضای نیمه‌باز، نه به صورت سرتاسری بلکه به‌طور جداگانه برای هر طبقه احداث شده‌اند. ایجاد فضای نیمه‌باز به صورت ترکیبی از دو شیوه یادشده، خود به عنوان یک شیوه مستقل در برخی از خانه‌های قاجاری تبریز وجود دارد. در این شیوه ستون‌های بخش میانی به‌طور سرتاسری، و در طرفین نما به‌طور جداگانه در دو طبقه اجرا شده‌اند. در نهایت شیوه چهارم این الگو را می‌توان در حذف ستون‌های طبقه زیرین مشاهده کرد، که در این موارد با پیش‌روی فضای داخلی طبقه زیرین، ستون‌های فضای نیمه‌باز طبقه فوقانی بر روی آن قرار گرفته‌اند. در خانه حیدرزاده به عنوان یکی از زیباترین نمونه‌های این شیوه، ستون‌های طبقه فوقانی به‌صورت جفتی و با اندکی پیش‌آمدگی در پلان، فضای نیمه‌باز طبقه اول را به وجود آورده‌اند. بنابراین در تبیین شیوه‌های اجرایی مربوط به ایجاد فضای نیمه‌باز در الگوی رواق ستوندار (جدول ۱)، می‌توان چهار شیوه را به صورت جدول ۱ ارائه کرد.

در تمامی شیوه‌های فوق‌نمای اصلی شامل دو سطح یا دو لایه بیرونی و درونی است؛ که در آن نمای رواق ستوندار، سطح بیرونی و نمای دیوار بیرونی خانه که با فاصله اندکی از لایه اول قرار دارد، با عنوان سطح درونی نما نامیده می‌شود. هر یک از این سطوح دارای عناصر و جزئیاتی هستند که تقریباً در تمامی شیوه‌ها مشابه یکدیگرند. با این وجود به دلیل تفاوت در طبقات قابل رؤیت در نما، برخی از اجزای مصادیق با یکدیگر متفاوت هستند. جدول زیر به معرفی عناصر و جزئیات نمای مصادیق در الگوی رواق ستوندار (جدول ۲) می‌پردازد. تمییز عناصر کالبدی هر یک از شیوه‌های اجرایی در الگوی رواق ستوندار (تصاویر ۱-۴) نشان داده شده است.

مرتبط با نماسازی ساختمان‌های نوساز و حل معضلاتی در این راستا، تحقیقی کاربردی محسوب می‌شود.





یافته‌ها (الگوشناسی نمای خانه‌های تاریخی و ثبت ملی تبریز)

تمامی خانه‌های تاریخی تبریز که در فهرست میراث ملی به ثبت رسیده‌اند به یکی از دوره‌های قاجار و پهلوی تعلق دارند. دوره‌های تاریخی مختلف و همچنین تفاوت‌های مکانی ساخت، تنوع و گوناگونی در اجزا و کالبد خانه‌ها را به همراه دارد. در نتیجه این گوناگونی‌ها، جداره اصلی یا در اطراف حیاط مرکزی خانه و یا رو به ورودی بنا (در خانه‌هایی که به صورت کوشکی هستند و حیاط در اطراف آنها شکل گرفته است) هستند، ولی بیشتر آنها در جبهه جنوبی (نمای جنوبی) قرار دارند (وحدت‌طلب، یاران و محمدی خوش‌بین، ۱۳۹۷، ۷۵). بنابراین در دستیابی به الگوی نماهای اصلی خانه‌ها، دوره ساخت آنها، بایستی در مرحله نخست مورد توجه قرار گیرد. جانمایی نمای اصلی خانه در جبهه شمالی حیاط را می‌توان در هر دو دوره قاجار و پهلوی مشاهده کرد، با این تفاوت که بیشتر خانه‌های دوره قاجار تابع کهن الگوی معماری درونگرایی ایرانی، دارای حیاط‌های اندرونی و بیرونی هستند، اما در خانه‌های دوره پهلوی با کمرنگ شدن تقسیم‌بندی خانه به بخش‌های اندرونی و بیرونی تنها یک حیاط و یک نمای اصلی در جبهه شمالی وجود دارد. لازم به ذکر است که در این دوره تحت تأثیر معماری غربی خانه‌هایی با چهار نمای اصلی به صورت کلاه فرنگی (خانه‌های ثقه‌الاسلام و اردوبادی) ساخته شده‌اند. در این مطالعه به منظور دستیابی به الگوهای نماسازی خانه‌های تاریخی تبریز، علی‌رغم وجود نماهای چندوجهی در جهات مختلف هر خانه، تنها به بررسی نمای اصلی که غالباً در جبهه شمالی حیاط قرار دارد، بسنده می‌شود.

• الگوی دوره قاجار

تصویر کلی از نمای اکثر خانه‌های دوره قاجار تبریز، دربرگیرنده یک فضای نیمه‌باز ستوندار است. این فضا که با عنوان ایوان یا رواق یاد می‌شود، شامل ستون‌هایی است که به‌صورت تکی یا جفتی روبه‌روی طبقات خانه قرار گرفته و با قوس‌های تزئینی و یک پیشانی پوشانده‌شده با گچ و آهک، به یکدیگر متصل هستند. چند لایه‌ای بودن نما ویژگی بارز این الگو تلقی می‌شود. به عبارتی اگر نمای تشکیل‌شده از ستون‌ها را لایه اول نما یاد کنیم، لایه دوم نمایی متشکل از عناصر فضاهای داخلی است. با توجه به اینکه خانه‌های این دوره غالباً دارای یک فضای طنابی (تالار) وسیع در وسط پلان و چندین اتاق جانبی هستند که با اُرسی یا پنجره لته‌دار، با حیاط و نمای اصلی خانه در ارتباط هستند، لذا دیوارهای بیرونی خانه

جدول ۱. شیوه‌های اجرایی نما در الگوی رواق ستوندار در خانه‌های تاریخی تبریز. مأخذ: نگارندگان.

ردیف	شیوه	نحوه اجرای شیوه - دیاگرام	مصادیق
الف	فضای نیمه‌باز سرتاسری	ستون‌ها به‌طور یکپارچه روبروی طبقات 	خانه بهنام - خانه گنج‌ای‌زاده - خانه قدکی - خانه بلورچیان - خانه نیکدل - خانه شربت‌اوغلی - خانه رحیمی - خانه حاج‌شیخ - خانه ختایی - خانه شربت‌زاده - خانه سلطان‌القرایی
ب	فضای نیمه‌باز مجزا	ستون‌ها به‌طور جداگانه در هر طبقه 	خانه عهدهی - خانه نعمت‌زاده
پ	فضای نیمه‌باز ترکیبی (ترکیب شیوه‌های الف و ب)	ستون‌های بخش میانی به‌طور سرتاسری و طرفین به‌طور مجزا در هر طبقه 	خانه کوزه‌کنانی - خانه صدقیانی
ت	فضای نیمه‌باز فوقانی	ستون‌ها تنها در بخش فوقانی نما 	خانه نقشینه - خانه حیدرزاده - خانه مشکیان

• الگوی دوره پهلوی

یکی از شاخصه‌های نمایی در این الگو محسوب می‌شود. **جدول ۴** به معرفی عناصر و جزئیات نمای مصادیق در الگوی نمای مسطح می‌پردازد. در تصاویر ۵ و ۶ تمییز عناصر کالبدی هریک از شیوه‌های اجرایی در الگوی نمای مسطح ارائه شده است.

• الگوی التقاطی

علاوه بر دو الگوی یادشده، نماهایی وجود دارند که از شیوه‌های اجرایی متفاوتی نسبت به آنها برخوردارند. علت این تفاوت می‌تواند با خواسته‌های بانی تأسیس یا اعمال سلائق شخصی معمار که متأثر از جریان‌های فرهنگی در آن دوره بوده است، در ارتباط باشد. در این مصادیق می‌توان هم ردپایی از معماری بومی و شیوه‌های مرسوم ناماسازی آن عصر و هم الگوبرداری از معماری غیربومی را در کنار یکدیگر مشاهده کرد. بنابراین، این موارد که در میان خانه‌های تاریخی تبریز بی‌نظیر هستند و منطبق بر خصوصیات کلی دو الگوی غالب نیستند، در الگویی جداگانه ذیل نمای التقاطی معرفی می‌شوند. در بررسی این مصادیق می‌توان به مواردی از قبیل سنتوری در مرکز نما، خطوط ناصاف و ترکیب با نیم‌دایره و یا چند وجهی در پلان نمای اصلی و یا استفاده از رواق‌های ستوندار نامتعارفی که از نظر ترکیب با یکدیگر در طبقات یا از نظر حجم و تعداد بی‌نظیر هستند، اشاره کرد. در **جدول ۵** تعدادی از مصادیقی که نمای آنها به‌دلیل خصوصیات بی‌نظیر خود در الگوی نمای التقاطی قرار می‌گیرند، ارائه می‌شود. مصادیق ارائه‌شده در الگوی نمای التقاطی اگرچه با شیوه‌های

در خانه‌های دوره پهلوی با ساده‌سازی نمای خانه‌های قاجاری و حذف فضای نیمه‌باز، نمای اصلی خانه در یک سطح نمایان شده است. نماهای این دوره در عین بازگویی وضعیت فضاهای داخلی خانه، همراه با جزئیات متنوع، مجموعه‌ای متناسب و متقارن را به‌وجود آورده‌اند. در برخی از نماهای مسطح این دوره می‌توان اجزایی نظیر ایوان یا پله را به صورت بیرون‌زده از آن مشاهده کرد. به عبارتی در موارد نیاز به اجزای یادشده، آن را به‌صورت منفرد و با اتصال به فضای داخلی مورد نیاز، ایجاد کرده‌اند. بنابراین در این الگو می‌توان از دو شیوه غالب اجرایی یاد کرد. شیوه نخست، نمای کاملاً تخت در یک سطح اصلی است که بسیاری از خانه‌های یک یا دو طبقه این دوره متشکل از طبقه زیرزمین و طبقه اول با این شیوه ساخته شده‌اند. شیوه دوم، نمای خانه‌هایی است که به‌دلیل وجود اجزای پیش‌آمده و بیرون‌زده از نمای اصلی همچون پله‌های ورود به فضاهای داخلی در وسط یا طرفین نما و ایوان‌های متصل به فضاهای طبقه دوم به صورت مسقف یا روباز، نمای دولایه‌ای مشتمل بر سطوح اصلی و پیش‌آمده هستند. بنابراین در تبیین شیوه‌های اجرایی مربوط به نمای خانه‌های دوره پهلوی در الگوی نمای مسطح، می‌توان دو شیوه را به صورت **جدول ۳** ارائه کرد.

تعداد طبقات خانه و چگونگی ورود به فضاهای داخلی، دو عامل اصلی در تعیین عناصر و شیوه اجرایی این الگو هستند. همچنین استفاده از اشکال متنوع و چیدمان گوناگون آجر،

جدول ۲. مشخصات، اجزاء و عناصر نمای خانه‌های تاریخی تبریز در الگوی رواق ستوندار. مأخذ: نگارندگان.

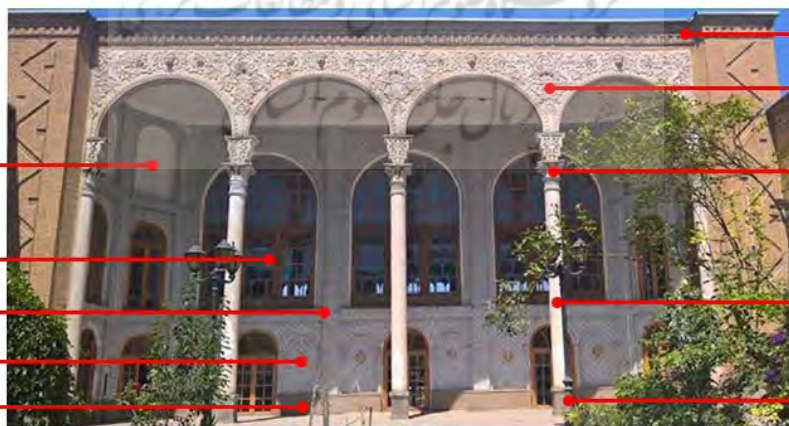
عناصر و جزئیات نما	نوع لایه نمایشی	لایه‌های نمایشی	طبقات موجود در نما	مصادیق	شیوه اجرایی نما (در الگوی رواق ستوندار)
- پایه ستون، - ستون، - سرستون، - پیشانی، - هره‌چینی نهایی.	لایه اول*	دو لایه	دو یا سه	خانه‌های بهنام، گنجه‌ای زاده، قدکی، بلورچیان، نیکدل، شربت‌اوغلی، رحیمی، حاج‌شیخ، ختایی، شربت‌زاده، سلطان‌القرایی	الف: فضای نیمه‌باز سرتاسری
- پایه‌های ورودی، - ازاره، - قاب‌بندی، - تزیینات، - در و پنجره‌ها، - هره‌چینی میانی.	لایه دوم**	دو لایه	دو	خانه عهدهی، خانه نعمت زاده	ب: فضای نیمه‌باز مجزا
- پایه ستون: این شیوه تنها در ستون‌های بخش تحتانی وجود دارند؛ - ستون، - سرستون، - هره‌چینی میانی، - پیشانی، - هره‌چینی نهایی.	لایه اول	دو لایه	دو	خانه کوزه‌کنانی، خانه صدقیانی	پ: فضای نیمه‌باز ترکیبی
- قاب‌بندی، - تزیینات، - درها و پنجره‌ها.	لایه دوم	دو لایه	دو	خانه نقشینه، خانه حیدرزاده، خانه مشکیان	ت: فضای نیمه‌باز فوقانی
- پایه ستون: در این شیوه ستون‌های فوقانی در طرفین نما، پایه‌ستون ندارند؛ - ستون، - سرستون، - هره‌چینی میانی، - پیشانی، - هره‌چینی نهایی.	لایه اول	دو لایه	دو	خانه نقشینه، خانه حیدرزاده، خانه مشکیان	ت: فضای نیمه‌باز فوقانی
- ازاره، - قاب‌بندی، - تزیینات، - در و پنجره‌ها، - هره‌چینی میانی.	لایه دوم	دو لایه	دو	خانه نقشینه، خانه حیدرزاده، خانه مشکیان	ت: فضای نیمه‌باز فوقانی
- ازاره، - قاب‌بندی، - در و پنجره‌ها، - هره‌چینی میانی - ستون، - سرستون، - پیشانی، - هره‌چینی نهایی.	لایه اول	دو لایه	دو	خانه نقشینه، خانه حیدرزاده، خانه مشکیان	ت: فضای نیمه‌باز فوقانی
- قاب‌بندی، - تزیینات، - درها و پنجره‌ها.	لایه دوم	دو لایه	دو	خانه نقشینه، خانه حیدرزاده، خانه مشکیان	ت: فضای نیمه‌باز فوقانی

* منظور از لایه اول نما، نمای رواق ستوندار است که در این الگو به عنوان سطح بیرونی نما قابل رویت است.

** منظور از لایه دوم نما، لایه مربوط به دیوار بیرونی خانه است که در نمای اصلی، پس از نمای رواق ستوندار به عنوان سطح درونی نما قالب رویت است.

عناصر سطح درونی:

- قاب‌بندی
- درها و پنجره‌ها
- هره‌چینی میانی
- تزیینات
- ازاره



عناصر سطح بیرونی:

- هره‌چینی نهایی
- پیشانی
- سرستون
- ستون
- پایه‌ستون

تصویر ۱. عناصر نمای خانه تاریخی قدکی با شیوه اجرایی فضای نیمه‌باز سرتاسری در الگوی رواق ستوندار. مأخذ: نگارندگان.

در نمای هر یک از نمونه‌ها را نمی‌توان عناصر غیرقابل قبول یا غیرممکن در نما یاد کرد و در این میان، عنصر سنتوری به دلیل تکرار آن در نمای بیشتر خانه‌های بررسی شده در

اجرایی مرسوم نما در خانه‌های تاریخی تبریز مطابقت ندارند، ولی همگی از خصوصیات بارز کالبدی، عملکردی و زیبایی‌شناختی برخوردارند. از این رو موارد متمایز یادشده

۳) پیشانی: بخش فوقانی در رواق ستوندار در محل اتصال ستون‌ها به یکدیگر است. خط زیرین آن از قوس‌های تزئینی قرار گرفته بر روی سرستون‌ها و خط فوقانی آن پیش از هره‌چینی خط نهایی ساختمان ایجاد می‌شود.

۴) سنتوری: یکی از عناصر مرسوم در معماری غربی است که در برخی از خانه‌های تاریخی تبریز به عنوان بخش فوقانی نمای اصلی قابل مشاهده است.

۵) پله‌های ورودی: در برخی از خانه‌هایی که در طبقه اول، بالاتر از کف حیاط قرار دارند، ورود به طبقه اول از طریق پله‌هایی در میانه یا طرفین انجام می‌شود.

۶) ایوان: در دو وضعیت مسقف و روباز و در ارتباط با فضاهای داخلی طبقه دوم، قابل رویت است.

۷) آزاره: بخش زیرین نما است که در ارتفاع قابل دسترسی و عمدتاً با استفاده از سنگ لاشه یا تیشه‌دار و با لبه انتهایی پیش آمده از بدنه اصلی نما، اجرا شده‌اند.

۸) هره‌چینی میانی: پیش آمدگی افقی بخش میانی نما است، با استفاده از آجرهایی به اشکال متنوع، که نشان‌دهنده محل انفصال طبقات از یکدیگر است.

۹) هره‌چینی نهایی: پیش آمدگی بخش نهایی نما با استفاده از آجرهایی به اشکال متنوع است.

۱۰) درها و پنجره‌ها: هر دو در اشکال مربع و مستطیل ساده یا قوسدار و همچنین پنجره‌های ارسی با نقوش متنوع و شیشه‌های رنگی هستند.

۱۱) قاب‌بندی: به صورت تورفتگی‌های چهارگوشه و قوس‌دار در جرزها، پیش آمدگی محیطی در و پنجره‌ها یا پیرامون پایه‌ها (استخوان بندی عمودی بنا)، و به منظور ایجاد سایه‌روشن و جلوگیری از یکنواختی نما هستند.

۱۲) ناودانی: در نماهای تک‌لایه با اتصال عمودی به نمای اصلی، جهت تخلیه آب بارندگی از بام به حیاط است.

۱۳) تزیینات: تزیینات گچی و آهکی مربوط به بالای قوس‌ها و سرستون‌ها، از نوع سطحی و تزییناتی که با پس و پیش شدن مصالح و چیدمان‌های متنوع آجری به‌وجود آمده‌اند، تزیینات جسمی (عمقی) هستند.

• **عناصر زیبایی‌شناختی^۲ نمای خانه‌های تاریخی تبریز**
اجزای تشکیل‌دهنده نما علاوه بر تحلیل‌های شکلی با تکیه بر فرم اجزاء، نیازمند توجه به مفاهیم پیونددهنده آنها با یکدیگر است، چرا که کلیت نما علاوه بر خصوصیات کالبدی، ناشی از روابط هندسی و ابعاد زیبایی‌شناسی اجزای آن است. ادبیات نظری مربوط به زیبایی‌شناسی معماری اسلامی، زیبایی را در اصل فیزیکی یا صوری (فرمال) می‌داند که ردپای هم در زیبایی‌های فرهنگی، تاریخی و معنایی دارد و با عنوان زیبایی سمبولیک از آن یاد می‌شود. به عبارتی همراهی مفاهیم و معانی، عمر زیبایی یک پدیده را



تصویر ۲. عناصر نمای خانه تاریخی نعمت‌زاده با شیوه اجرایی فضای نیمه‌باز مجزا در الگوی رواق ستوندار. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۳. عناصر نمای خانه تاریخی کوزه‌کنانی با شیوه اجرایی فضای نیمه‌باز ترکیبی در الگوی رواق ستوندار. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۴. عناصر نمای خانه تاریخی حیدرزاده با شیوه اجرایی فضای نیمه‌باز فوقانی در الگوی رواق ستوندار. مأخذ: نگارندگان.

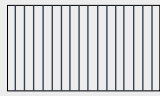
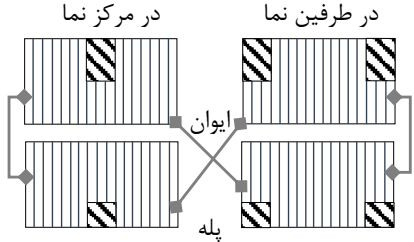
الگوی نمای التقاطی به عنوان یک عنصر رایج و مقبول در میان عناصر متمایز محسوب می‌شود.

• **اجزاء و عناصر کالبدی نمای خانه‌های تاریخی تبریز**
عناصر کالبدی نمای خانه‌های تاریخی علی‌رغم تفاوت‌های مربوط به جزئیات و نحوه ترکیب با یکدیگر، در الگوهای نمایی شناسایی شده (رواق ستوندار، مسطح و التقاطی) تکرار شده و در مجموع شامل موارد زیر هستند.

۱) رواق ستوندار: این مؤلفه به‌عنوان سطح بیرونی (لایه اول) نمای خانه‌های دوره قاجار متشکل از چندین ستون، قوس‌های تزئینی، پیشانی روی قوس‌ها و هره‌چینی نهایی است.

۲) ستون: مشتمل بر سه جزء پایه‌ستون، قلم‌ستون و سرستون بخشی از عناصر رواق ستوندار است و از ماده‌های ساختمانی سنگ، چوب و گچ تشکیل می‌شود.

جدول ۳. شیوه‌های اجرایی نما در الگوی نمای مسطح در خانه‌های تاریخی تبریز. مأخذ: نگارندگان.

ردیف	شیوه	نحوه اجرای شیوه - دیگرام	مصادیق
الف	نما در یک سطح اصلی	تمامی اجزای نما در یک سطح قرار گرفته‌اند. 	خانه رستگار - خانه علی مسیو - خانه خیابانی - خانه امیرفاطمی - خانه سیلابی - خانه صلح‌جو
ب	نما در دو سطح اصلی و پیش‌آمده	پله‌های ورودی و ایوان از نمای اصلی پیش‌آمده هستند. 	خانه صحتی - خانه لاله‌ای - خانه ثقه‌الاسلام - خانه میرزا محمدثقه‌الاسلام - خانه نیشابوری - خانه پروین اعتصامی - خانه امیرپرویز - خانه مجتهدی

جدول ۴. مشخصات، اجزاء و عناصر نمای خانه‌های تاریخی تبریز در الگوی نمای مسطح. مأخذ: نگارندگان.

شیوه اجرایی نما	مصادیق	طبقات موجود در نما	لایه‌های نمایی	نوع لایه نمایی	عناصر و جزئیات نما
الف: نما در یک سطح اصلی	خانه‌های رستگار، علی مسیو، خیابانی، امیرفاطمی، سیلابی، صلح‌جو	دو	تک لایه	لایه اصلی	- ازاره، - پله - قاب‌بندی، - در و پنجره‌ها، - هره‌چینی میانی، - تزیینات، - ناودانی - هره‌چینی نهایی.
ب: نما در دو سطح اصلی و پیش‌آمده	خانه‌های صحتی، لاله‌ای، ثقه‌الاسلام، میرزامحمد ثقه‌الاسلام، نیشابوری، پروین اعتصامی، امیرپرویز، مجتهدی	دو یا سه	دو لایه	لایه اصلی لایه پیش‌آمده	- ازاره، - قاب‌بندی، - در و پنجره‌ها، - هره‌چینی میانی، - تزیینات، - ناودانی - هره‌چینی نهایی. - پله‌های ورودی، - ایوان.

عناصر پیش‌آمده:



عناصر نمای اصلی:



عناصر نما:



تصویر ۶. عناصر نمای خانه تاریخی ثقه‌الاسلام در دو سطح اصلی و پیش‌آمده در الگوی نمای مسطح. مأخذ: نگارندگان.

تصویر ۵. عناصر نمای خانه تاریخی صلح‌جو در یک سطح اصلی در الگوی نمای مسطح. مأخذ: نگارندگان.

در معماری تناسب نسبی است که بیان‌کننده رابطه بین دو یا چند اندازه است (گروتز، ۱۳۹۰، ۳۶۰). اشکال مشابه به کاررفته با اندازه‌های مشترک به صورت عمودی و افقی در نما، تناسب و هماهنگی مابین اجزای گوناگون نمایی در خانه‌های تاریخی تبریز را برقرار می‌نمایند.

(۲) تقارن: به تطابق دو شکل در دوسوی یک نقطه، تقارن گفته می‌شود. قرینه‌سازی اوج یک تفکر استوار است که با دستورالعمل‌های روشن، نقش مهمی در یکپارچگی کلیت اثر

افزایش می‌دهد و با نفوذ به عمیق‌ترین لایه‌های روان انسان، به زیبایی جاودانی یا سمبولیک ختم می‌شود (طاهباز، ۱۳۸۲، ۸۷). در بررسی مفاهیم مربوط به نحوه همنشینی و ترکیب اجزاء در نمای مصادیق، می‌توان عناصر مشهود و مشترک زیبایی‌شناختی در آنها را شامل موارد زیر دانست:

(۱) تناسب: اصولاً وجود داشتن نسبت و رابطه بین دو چیز را تناسب می‌گویند. تناسب یک عامل تعیین‌کننده برای هماهنگی است و فقط در ارتباط با شکل قابل بررسی است.

جدول ۵. مشخصات نمای خانه‌های تاریخی تبریز با خصوصیات التقاطی. مأخذ: نگارندگان.

عنوان	دوره	تصویر	جلوه‌های نمایی متمایز با الگوهای رایج خانه‌های تاریخی تبریز
خانه سرخه‌ای	قاجار		۱- ستون‌های سرتاسری نما با سنتوری ترکیب شده است.
خانه امیرنظام گروسی	قاجار		۱- ستون‌های نما دارای دو ارتفاع متفاوت هستند. ۲- بالای ایوان سنتوری دارد.
خانه کلانتری	قاجار		۱- از خطوط شکسته در خط پلان استفاده شده است. ۲- ستون‌های دو طبقه در امتداد یکدیگر نیستند و قطرشان متفاوت است. ۳- لچکی قوس بالای ستون‌ها در طبقه اول، کاشی کاری دارد.
خانه صرافلار	قاجار- پهلوی		۱- بالای ایوان سنتوری دارد. ۲- خط آسمان از خطوط اریب سنتوری و دو نیم‌دایره تشکیل شده است. ۳- در تزیینات نمای جنوبی از نقوش ناشناخته‌ای استفاده شده است.
خانه ساوجبلاغی	پهلوی		۱- ستون‌های نما در دو طبقه ارتفاع یکسانی ندارند. ۲- بالای ایوان سنتوری دارد.
خانه اردوبادی	پهلوی		۱- نما کاملاً نامتقارن است. ۲- حجم مکعبی با حجم‌های چندضلعی ترکیب شده است.
خانه کمپانی	پهلوی		۱- در نمای اصلی احجام مکعبی و نیم‌استوانه ترکیب شده است. ۲- در نما از پنجره‌های نامتعارف دایره‌ای شکل و تاجدار استفاده شده است. ۳- در تزیین نما از اشکال و نقوش ناشناخته استفاده شده است.

۳) مرکزیت: مرکز دارای نظام معنایی ذومراتبی است که هریک از نظریه‌پردازان، در مرتبه‌ای متفاوت به این مفهوم واحد نظر افکنده‌اند. امروزه کاربرد این مفهوم در معماری غالباً به مرکزیت عملکردی و کالبدی آن دلالت دارد. این مرکز، بخشی از مکان است که به صورت توده یا حوزه، محیط اطراف را حول خود سامان می‌دهد و نظامی هندسی به وجود می‌آورد (ندیمی، مندگاری و محمدی، ۱۳۹۳، ۱۲۳). در نما نیز قرار گرفتن عنصری در مرکز معمولاً با

و به تعادل رساندن آن برعهده دارد (نورانی یزدی، ۱۳۹۷، ۱۶). ساختاری متقارن که می‌توان کلیت مجموعه یا بخش مناسبی از آن را دید، همچون نوعی مغناطیس عمل می‌کند. [تقارن موجب می‌شود] ذهنی که بی‌وقفه در پی یافتن است، چیزهایی را که به او عرضه می‌شوند بی‌هیچ دشواری درک کند (مایس، ۱۳۸۴، ۸۲). تقارن عمودی حاصل از قرینگی دو بخش شرقی و غربی نما از عناصر شاخص ادراکی، در نمای خانه‌های تاریخی تبریز است.

و اجزای معماری نمای خانه‌های تاریخی به‌طور مستقیم و همان‌طور که در گذشته بوده است، امکان‌پذیر و شایسته نیست. بهره‌مندی از عناصر کالبدی شناسایی‌شده از نمای خانه‌های تاریخی بر مبنای مفاهیم و عناصر مشهود زیبایی در آنها و با خلق شیوه‌هایی نوین که متأثر از دغدغه‌ها و شرایط روز معماری است، گستره وسیعی را برای متخصصان و طراحان معماری فراهم می‌کند تا تجارب ابنیه تاریخی، در طراحی و اجرای نمای ساختمان‌های نوساز به‌کار گرفته شود. بر این مبنا دامنه وسیعی از راه‌حل‌ها جهت طراحی نماهای جدید امکان‌پذیر می‌شود. این موضوع حکایت از پیچیدگی این موضوع و لزوم رعایت جوانب احتیاط با آن را دارد.

بر مبنای تحلیل‌های صورت‌گرفته در خصوص نمای خانه‌های تاریخی تبریز مؤلفه‌هایی که می‌توان در نمای ساختمان‌های نوساز از آن بهره‌مند شد، شامل موارد زیر است:

(۱) شکل کلی نما: نمای خانه‌های تاریخی با توجه به حجم کلی خود شکل مربع یا مستطیل افقی دارند، به‌طوری‌که ارتفاع نما از بستر، دو، دو و نیم یا سه طبقه را شامل می‌شود. امروزه رعایت این نکته تحت تأثیر گرایش عمومی به بلندمرتبه‌سازی می‌تواند در قالب تقسیم‌بندی نما به چندین بخش مربع یا مستطیلی شکل و با استفاده از دیگر عناصر کالبدی در احداث نماهای اصلی مورد توجه قرار گیرد.

(۲) نماسازی چندوجهی: در خانه‌های تاریخی تبریز با عنایت به شرایط اقلیمی، غالباً یک نمای اصلی در جهت رو به آفتاب و نماهایی در جهات دیگر وجود دارد که از نظر تناسب و تداوم اجزای افقی (هره‌چینی) با یکدیگر در هماهنگی هستند. رعایت این نکته به منظور ایجاد نمای یکپارچه و هماهنگ در بخش‌های مختلف نمای ساختمان‌های نوساز اهمیت دارد.

(۳) لایه‌بندی نمایی: الگوهای مربوط به نمای خانه‌های تاریخی تبریز، حاکی از سطوح مختلف نماسازی با اجزاء و عناصر گوناگون در لایه‌های اصلی، عقب‌رفته و پیش‌آمده هستند. توجه به این نکته که در گرو رعایت قوانین کنونی ساخت‌وساز نمای ساختمان‌های نوساز است، در صورت امکان در اجرای ایوان، بالکن و پیش‌ورودی می‌تواند مورد توجه طراحان قرار گیرد.

(۴) ازاره: ازاره یا خط زمین بخشی از نمای خانه‌های تاریخی است که در محل اتصال نما به بستر در ارتفاع انسانی (حداکثر ۱۵۰ سانتی‌متر)، با استفاده از مصالح تیشه‌دار و با یک لبه پیش‌آمده از بدنه آن، یکی از عناصر بارز در ترکیب‌بندی کلی نما است که علاوه بر موارد فنی نقش مهمی در زیبایی سطوح نمایی ایفا می‌کند. این عنصر با

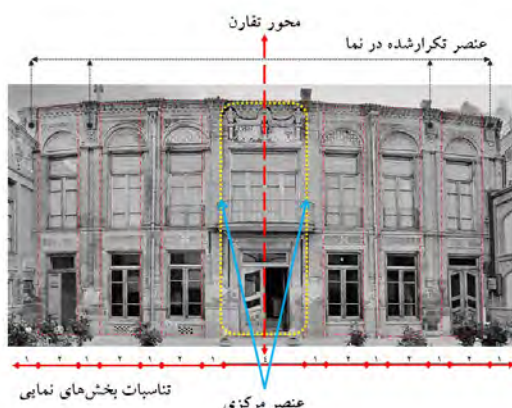
هدف تأکید بر آن انجام می‌گیرد. آرسی، ایوان و پله از جمله عناصر کالبدی قرارگرفته در مرکز نمای خانه‌های تاریخی تبریز هستند.

ریتیم و تکرار: بنا بر تعریف لوفور می‌توان ریتیم را به صورت حرکت و پویایی تعریف کرد که از تکرار واحدی در طول زمان و در فضا اتفاق می‌افتد (قلعه‌نویی و جبل‌عاملیان، ۱۳۹۴، ۷۰). ریتیم، تکرار را جهت سازماندهی فرم‌ها و فضا وارد معماری می‌کند. تقریباً کلیه بناها از عناصری تشکیل شده‌اند که ماهیتی تکرارشونده دارند. تکرار تیرها و ستونها، پیمون‌ها (مدول) را شکل می‌دهند (معینی و ذوالفقارزاده، ۱۳۹۶، ۹). تکرار عناصری از قبیل درها و پنجره‌ها، قاب‌بندی، ایوان‌ها و تزیینات مختلف، موجب ایجاد ریتیم در نمای خانه‌های تاریخی تبریز هستند.

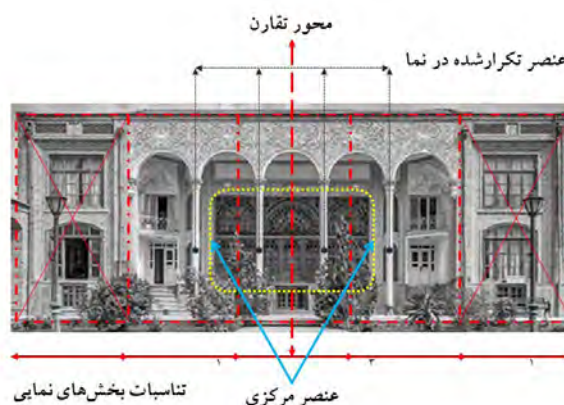
بنابراین تجلی زیبایی در ترکیب‌بندی عناصر کالبدی نماها در خانه‌ها دوره قاجار (تصویر ۷) و دوره پهلوی (تصویر ۸) را می‌توان با تکیه بر چهار عنصر تناسب، تقارن، مرکزیت و ریتیم (تکرار) یاد کرد، که عوامل گوناگونی از قبیل نور، رنگ، بافت و فرم نیز در ادراک آن مؤثر هستند.

بحث (مؤلفه‌های کارا در نمای ساختمان‌های نوساز)

تحلیل نمای خانه‌های تاریخی و بازخوانی ارزش‌های هنری و فنی آنها تلاشی برای دستیابی به تداوم سنت‌های معماری در خصوص جداره‌سازی و اعمال آن در معماری معاصر است. از دید صاحب‌نظران معماری، تداوم در معماری ایران، نه با مشابه‌سازی بلکه با طی روندی تکاملی و ابداع شیوه‌های خاص در هر دوره محقق شده است^۵. بنابراین بهره‌مندی از نتایج مربوط به شناخت عناصر زیبایی و کالبدی نمای خانه‌های تاریخی به عنوان رهیافتی در ساختمان‌های نوساز، نیازمند توجه به شرایط معاصر ساخت و نماسازی نیز هست. در شرایط کنونی ساختمان‌سازی، رعایت الزامات عمومی ساخت‌وساز و دستورالعمل‌های مربوط به شهرها و مناطق مختلف شهری در راستای انتظام‌بخشی به فعالیت‌های ساختمانی، محدودیت‌هایی را در خصوص استفاده مجدد از برخی اجزاء و عناصر ابنیه تاریخی به‌همراه دارد. در این زمینه می‌توان به الزاماتی همانند پیش‌آمدگی نمای ساختمان‌های نوساز در معابر مختلف، روش تخلیه آب بارندگی از بام به چاه باران، ابعاد پنجره‌ها و ... اشاره کرد که هر یک به نحوی استفاده مستقیم از عناصر و روش‌های به‌کاررفته در ابنیه تاریخی را محدود می‌کند. همچنین گرایش عمومی معاصر در ساخت‌وساز که از مهمترین آنها تمایل به بلندمرتبه‌سازی است، از دیگر موارد مربوط به شرایط کنونی احداث ساختمان است که تأثیرگذاری بالایی در نما و اجزای آن دارد. بنابراین می‌توان دریافت که امروزه استفاده از الگوها



تصویر ۸. عناصر زیبایی‌شناسی در نمای خانه تاریخی امیر پرویز با الگوی نمای مسطح. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۷. عناصر زیبایی‌شناسی در نمای خانه تاریخی بهنام با الگوی نمای رواق ستوندار. مأخذ: نگارندگان.

و ترکیب مصالح، امکان شناسایی و سپس اجرا در نمای ساختمان‌های نوساز را فراهم کرده است. با توجه به تنوع بسیار بالای مصالح در شرایط کنونی ساخت‌وساز، در صورت توجه و تحقق‌پذیری در نمای ساختمان‌های نوساز، می‌تواند نقش چشمگیری در هماهنگی بافت‌های شهری به‌ویژه در محدوده‌های شهری تاریخی ایفا کند.

عناصر زیبایی‌شناختی: مهم‌ترین دغدغه در خصوص استفاده از عناصر کالبدی اشاره‌شده در طراحی نمای ساختمان‌های نوساز، مربوط به نحوه همنشینی آنها در کنار یکدیگر است. طراحی نمای ساختمان‌های نوساز با تکیه بر عناصر کالبدی نمای خانه‌های تاریخی، بدون توجه به مفاهیم پیونددهنده آنها با یکدیگر، برداشتی سطحی تلقی می‌شود که نتیجه آن نیز تفاوت چندانی با عدم توجه به ابنیه تاریخی نخواهد داشت. از این رو توجه به مفاهیم زیبایی‌شناختی که در نمای ابنیه تاریخی به‌کار رفته‌اند، بسیار حائز اهمیت است. عناصر زیبایی‌شناختی مشهود در نمای خانه‌های تاریخی تبریز، شامل تناسب، تقارن، مرکزیت و ریتم (تکرار) هستند که امروزه طراحان می‌دانند آنها را متناسب با شرایط فیزیکی ساختمان در بخش‌های مختلف مورد استفاده قرار دهند. بنابراین مؤلفه‌های برگرفته از خانه‌های تاریخی تبریز جهت استفاده در نمای ساختمان‌های نوساز به‌صورت **جدول ۶** است.

نتیجه‌گیری

تداوم معماری با بهره‌مندی از تجارب و سنت‌های معماری بومی و رشد و تعالی آنها در زمینه‌های فنی و سپس به‌کارگیری یافته‌ها در معماری معاصر، همواره مورد ستایش صاحب‌نظران معماری بوده است. پژوهش حاضر در مسیر دستیابی به تداوم معماری ایرانی در پی شناسایی شاخصه‌های کالبدی و معنایی از نمای خانه‌های تاریخی

مشخصات مذکور در نمای ساختمان‌های نوساز قابل بهره‌برداری است.

۵) هره‌چینی میانی: در نمای خانه‌های تاریخی تبریز، به منظور تعدیل ارتفاع کلی نما و ایجاد واحدهای کوچک محیطی در سطح نمایی اجرا شده‌اند که غالباً در محل انفصال طبقات از یکدیگر و با مصالحی در فرم و چیدمان متفاوت با نمای اصلی و اندکی بیرون‌زده از آن هستند و در خطوط افقی تقسیم بندی می‌شوند. این مورد نیز قابلیت ورود به ترکیب‌بندی نمای ساختمان‌های نوساز را دارد.

۶) هره‌چینی نهایی: مطابق با الگوهای ارائه‌شده از نمای خانه‌های تاریخی تبریز، سه فرم غالب تخت، پلکانی و شبیدار، به‌طور هماهنگ با بخش هره‌چینی میانی، بخش انتهایی نما را تشکیل داده‌اند که متناسب با شرایط نمای ساختمان نوساز در جهات مختلف، امروزه قابل استفاده هستند.

۷) قاب‌بندی: قاب‌بندی در نمای خانه‌های تاریخی با پس و پیش‌آمدگی مصالح اصلی، تأثیر بسزایی در ایجاد سایه‌روشن و حذف یکنواختی نما دارد. قاب‌بندی آجری به صورت پیش‌آمدگی‌های پیرامون در و پنجره، پایه‌ها (استخوان‌بندی عمودی بنا) و جرزها در اشکال متنوع، امروزه در نمای ساختمان‌های نوساز قابلیت اجرایی دارد.

۸) تزیینات: در نمای خانه‌های تاریخی، یا به‌صورت نقوش هندسی و اسلیمی در سطح و یا از طریق نحوه چیدمان مصالح در کنار یکدیگر به صورت عمقی ایجاد شده است. بهره‌مندی از اشکال و شیوه‌های تزیینات موجود در معماری بومی و پرهیز از نقوش و شیوه‌های تزیینی در معماری غرب (به‌ویژه معماری سبک کلاسیک) نقش مهمی در کیفیت نمای ساختمان‌های امروزی ایفا خواهد کرد.

۹) مصالح: مصالح به‌کاررفته در نمای خانه‌های تاریخی تبریز، در مؤلفه‌های مربوط به نوع، رنگ، بافت، درخشندگی

جدول ۶. مؤلفه‌های کارا در نمای ساختمان‌های نوساز مسکونی برگرفته از نمای خانه‌های تاریخی تبریز. مأخذ: نگارندگان.

مؤلفه‌های کارا در نمای ساختمان‌های نوساز مسکونی	
کالبدی	<p>- شکل کلی نما: به شکل مربع یا مستطیل افقی به طوری که ارتفاع نما دو، دو و نیم یا سه طبقه را شامل می‌شود.</p> <p>- نماسازی چندوجهی: شامل یک نمای اصلی و نماهای جانبی در جهات مختلف است.</p> <p>- لایه‌بندی نمایی: اجرای نمای اصلی در سطوح مختلف (پیش‌آمده، اصلی و عقب‌رفته) را شامل می‌شود.</p> <p>- آزاره (خط زمین): موازی با اتصال نما به بستر در ارتفاع انسانی از مصالح سخت و دارای لبهٔ پیش‌آمده از بدنه است.</p> <p>- هره‌چینی میانی: خطوط افقی و میانی پیش‌آمده با مصالح اصلی در محل انفصال طبقات است.</p> <p>- هره‌چینی نهایی (خط آسمان): خطوط پیش‌آمده انتهایی نما به‌طور تخت، پلکانی و شیب‌دار است.</p> <p>- قاب‌بندی: پیش‌آمدگی‌های پیرامون بازشوها، پایه‌ها (استخوان‌بندی عمودی بنا) و جرزها جهت حذف یکنواختی و ایجاد سایه‌روشن در نما است.</p> <p>- تزیینات: ایجاد نقوش تزیینی به صورت سطحی و یا با استفاده از نحوهٔ چیدمان مصالح در کنار یکدیگر به صورت عمقی است.</p> <p>- نوع: بخش عمده شامل آجر، سنگ، شیشه و چوب می‌شود.</p>
مصالح	<p>- رنگ: به‌طور غالب شامل استفاده از رنگ‌های گرم (مثل قهوه‌ای و آجری) است.</p> <p>- بافت: عدم استفاده از سطوح صیقلی در مصالح سخت (سنگ و آجر) وجود دارد.</p> <p>- درخشندگی: به‌طور غالب استفاده از سطوح کدر و غیربراق (به جز شیشه‌های پنجره) را شامل می‌شود.</p> <p>- ترکیب: استفاده از مصالح درشت و سخت در بخش‌های پایینی و مصالح خرد و نرم در بخش‌های مرتفع نما وجود دارد.</p>
زیبایی شناختی	<p>- تناسب: وجود هماهنگی مابین اجزای نمایی از طریق اندازه و اشکال و دیگر عوامل بصری از قبیل رنگ است.</p> <p>- تقارن: قرینه‌سازی مابین دو یا چند بخش نما را شامل می‌شود.</p> <p>- مرکزیت: قرارگیری یک عنصر معماری در مرکز نما با هدف تأکید بر آن و یا ایجاد نظم در نما است.</p> <p>- ریتم (تکرار): تکرار عناصر گوناگون معماری در نما که به سازماندهی اجزای آن موجب می‌شود.</p>

اشاره کرد. این تصویر، طرحی شماتیک و تداعی‌گر نمایی است که مؤلفه‌های مذکور را در خود جای داده است.

پی‌نوشت‌ها

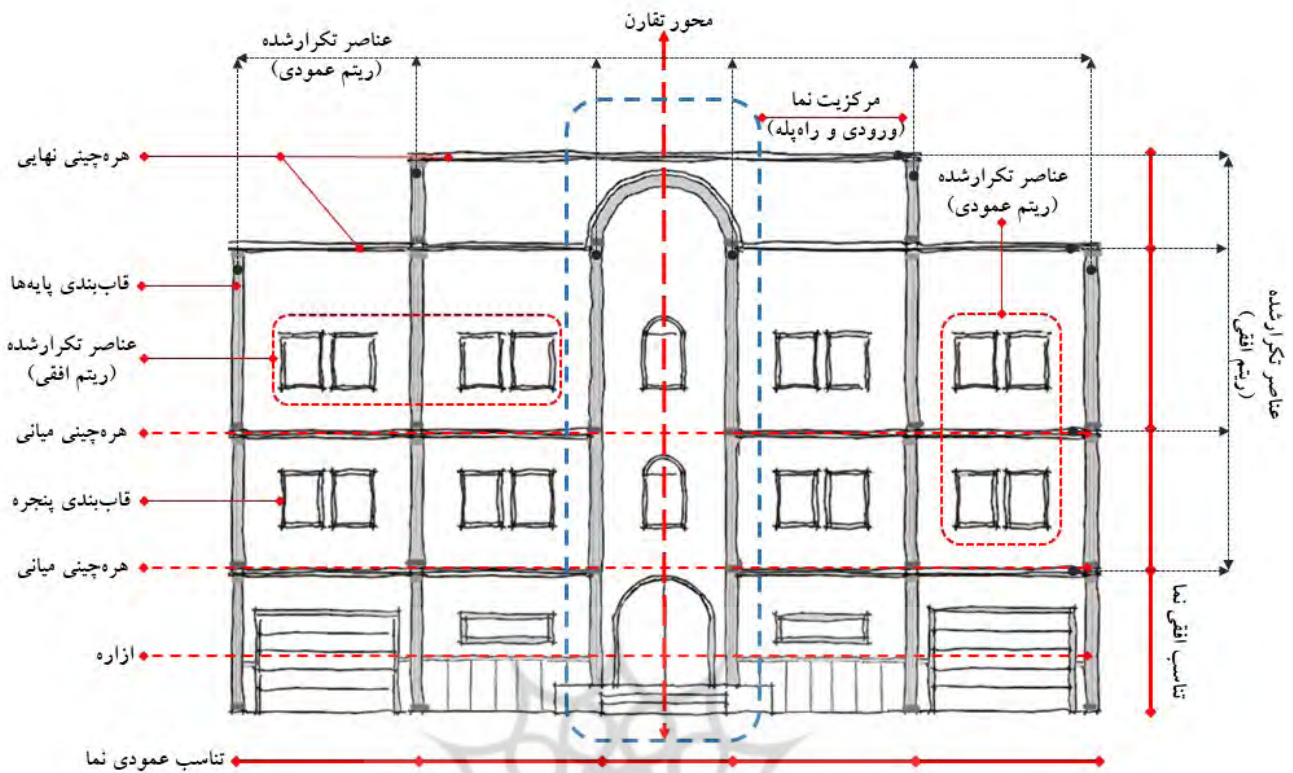
۱. از جمله ضوابطی که در آنها به مفاهیم هویتی اشاره شده است می‌توان به دستورالعمل ساماندهی نماهای شهر تهران، تهران: معاونت معماری و شهرسازی شهرداری تهران (۱۳۹۳) و دستورالعمل طراحی و اجرای نمای ساختمان‌ها در محور تاریخی- فرهنگی تبریز، تبریز: معاونت معماری و شهرسازی شهرداری کلانشهر تبریز (۱۳۹۳) اشاره کرد.
۲. جنبه‌های کمابیش احساسی ساخت‌وساز، بیشتر به حوزهٔ زیبایی‌شناختی مربوط است که نه قابلیت اندازه‌گیری و نه قابلیت تعریف‌پذیری دقیق دارند. این کلمه در اصل یونانی و معادل ادراک است. برای آگاهی از مبانی ادراک که در توضیح خصیصه‌های زیبایی‌شناختی مفید هستند (بنگرید به گروتز، ۱۳۹۰).
۳. فرهنگ فارسی معین، ذیل «تناسب».
۴. فرهنگ فارسی عمید، ذیل «تقارن».
۵. تجویدی (۱۳۵۰) معتقد است که معماری ایران همچون بسیاری دیگر از مظاهر فرهنگی آن، در طول تاریخ حیات خود از تداوم کم‌نظیری برخوردار بوده است.

فهرست منابع

- اهری، زهرا. (۱۳۸۰). مکتب اصفهان در شهرسازی (زیباشناسی عناصر و فضاهای شهری، واژگان و قواعد دستوری). تهران: دانشگاه هنر.
- بابازاده اسکویی، سولماز و پاکروان، گلناز. (۱۳۹۰). بررسی الگوهای مطرح در طراحی نماهای اصلی خانه‌های دوره قاجاریه و اوایل پهلوی اول در تبریز. همایش ملی سازه، راه، معماری. چالوس: دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس.
- بی‌تی، حامد. (۱۳۸۹). بررسی نقش حیاط در سازماندهی خانه‌های تاریخی (مطالعهٔ موردی: خانه‌های دورهٔ قاجار تبریز). کتاب ماه هنر،

تبریز است تا علاوه بر توجه به خصوصیات معماری بومی که در مطالعات پیشین نیز کمابیش مورد توجه پژوهشگران بوده است، زمینه‌های کاربردی آنها را در طراحی نمای ساختمان‌های نوساز فراهم آورد و طراحان بتوانند از موارد یادشده به عنوان ایده‌هایی کلی در طراحی نمای ساختمان‌های نوساز و در راستای همگون‌سازی آنها با بستر شهری- تاریخی بهره‌مند شوند.

بنابراین در راستای پاسخگویی به سؤال اول تحقیق پس از مراجعه به پیشینهٔ پژوهشی موضوع حاضر و مصادیقی از خانه‌های تاریخی تبریز، ابتدا الگوشناسی نمای خانه‌های تاریخی از طریق تحلیل خصوصیات کالبدی مربوط به دورهٔ ساخت آنها انجام شد. در ادامه و در پاسخ به سؤال دوم تحقیق، شیوه‌های اجرایی و عناصر تشکیل‌دهندهٔ هر یک از الگوهای نمایی مورد بازشناسی قرار گرفتند. پس از دستیابی به نتایج یادشده در بستر تاریخی، به منظور پاسخگویی به سؤال سوم تحقیق، با عنایت به مقتضیات کنونی در زمینهٔ ساختمان‌سازی، آن دسته از مؤلفه‌های مربوط به نمای خانه‌های تاریخی که می‌توانند در نمای ساختمان‌های نوساز کارا و مؤثر باشند، معرفی شدند. به‌طورکلی در تجمیع مؤلفه‌های مربوط به مباحث کالبدی و زیبایی‌شناختی برگرفته از نمای خانه‌های تاریخی تبریز به عنوان الگویی برای استفاده در طراحی و اجرای نمای ساختمان‌های نوساز می‌توان به موارد یادشده در تصویر زیر



تصویر ۹. عناصر کالبدی و زیبایی‌شناختی کاربردی در نماهای نوساز. مأخذ: نگارندگان.

- فیلدن، برنارد و یوکیلتو، یوکا. (۱۹۹۸). مدیریت در محوطه‌های میراث جهانی (ترجمهٔ پیروز حناچی). تهران: دانشگاه تهران.
- قلعه‌نویی، محمود و جبل‌عاملیان، نیلوفر. (۱۳۹۴). کاربرد ریتم‌های شهری در فرآیند طراحی فضاهای شهری (نمونهٔ موردی: فضاهای شهری محلهٔ جلفای اصفهان)، صفه، ۲۵ (۴)، ۹۰-۶۷.
- کنت دوسرسی. (۱۳۹۰). ایران در ۱۸۳۹-۱۸۴۰ م. (۱۲۵۵-۱۲۵۶ ه. ق.). (ترجمهٔ احسان اشراقی). تهران: سخن.
- کی‌نژاد، محمدعلی و شیرازی، رضا. (۱۳۸۹). خانه‌های قدیمی تبریز. تهران: فرهنگستان هنر.
- گروتو، یورگ کورت. (۱۳۹۰). زیبایی‌شناسی در معماری (ترجمهٔ جهان‌شاه پاکزاد و عبدالرضا همایون). تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- مایس، پی‌یرفون. (۱۳۸۴). نگاهی به مبانی معماری (از فرم تا مکان) (ترجمهٔ سیمون آیوازیان). تهران: دانشگاه تهران.
- معماریان، غلامحسین. (۱۳۷۵). آشنایی با معماری مسکونی ایران: گونه‌شناسی درون‌گرا. تهران: دانشگاه علم و صنعت.
- معینی، امیرحسین و ذوالفقارزاده، حسن. (۱۳۹۶). بررسی اصول و مبانی ریتم و تکرار جایگاه و نقش آن در هنر و معماری اسلامی. پنجمین کنگرهٔ بین‌المللی عمران، معماری و توسعه شهری. تهران: دبیرخانهٔ دائمی کنفرانس.
- موسوی، سیده سمانه. (۱۳۹۲). بررسی جایگاه فضاهای شهری در هوی بخشی شهرهای ایران (مطالعهٔ موردی شهر اصفهان). همایش ملی معماری، فرهنگ و مدیریت شهری. کرج: مرکز آموزشی علمی-کاربردی شهرداری کرج و دفتر معماری دید.
- ندیمی، ضحی و مندگاری، کاظم و محمدی، علی. (۱۳۹۳). اطوار (۱۴۹)، ۵۸-۶۴.
- پوربهادر، پویک و فدائی‌نژاد، سمیه. (۱۳۹۷). بازشناسی چارچوب نظری رویکرد حفاظتی منظر شهری تاریخی. شهر ایرانی اسلامی، ۸ (۳۱)، ۶۳-۷۴.
- تجویدی، اکبر. (۱۳۵۰). تداوم در معماری ایران. هنر و مردم، ۱۱۱ (۲-۱)، ۲-۱۷.
- حق‌جو، امیر؛ سلطان‌زاده، حسین؛ فراهاد و آیوازیان، سیمون. (۱۳۹۸). سیر تحول اندام‌های اصلی خانه‌های تبریز از دورهٔ قاجار تا دورهٔ پهلوی دوم، صفه، ۲۹ (۳)، ۱۴۰-۱۲۱.
- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۸۹). تبریز خشتی استوار در معماری ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- شاه‌تیموری، بلدا و مظاهریان، حامد. (۱۳۹۱). رهنمودهای تاریخی برای ساختارهای جدید در زمینهٔ تاریخی. هنرهای زیبا، ۱۷ (۴)، ۲۹-۴۰.
- طاهباز، منصوره. (۱۳۸۲). زیبایی در معماری. صفه، ۱۳ (۴-۳)، ۷۵-۹۷.
- علی اصل ممقانی، الناز و محمدزاده، رحمت. (۱۳۹۳). بررسی سیر تحول نمای ساختمان‌های مسکونی بافت قدیم تبریز در دوره‌های معاصر. کنفرانس بین‌المللی روشهای نوین طراحی و ساخت در معماری زمینه‌گرا. تبریز: دپارتمان معماری و شهرسازی انستیتو مقاوم‌سازی لرزه‌ای ایران.
- فدائی‌نژاد، سمیه و عشرتی، پرستو. (۱۳۹۳). واکاوی مؤلفه‌های بازشناخت اصالت در حفاظت میراث فرهنگی. هنرهای زیبا، ۱۹ (۴)، ۷۷-۸۶.

- نورانی یزدی، ملیحه السادات. (۱۳۹۷). درآمدی بر شناخت مفهوم تقارن، تعادل و جایگاه آن در معماری. معماری‌شناسی، ۱ (۲).
- وحدت‌طلب، مسعود؛ یاران، علی و محمدی خوش‌بین، حامد. (۱۳۹۷). بررسی مفهوم و ارزیابی پُروخالی در جداره‌های خانه‌های تاریخی تبریز. پژوهش‌های معماری اسلامی، (۱۹)، ۶۶-۸۶.
- ICOMOS (2005). *Xi'an Declaration on the Conservation of the Setting of Heritage Structures, Sites and Areas*. Retrieved July 23, 2021, from <https://www.icomos.org/charters/xian-declaration.pdf>.

- مرکز، تحلیلی بر مراتب مفهوم مرکز در معماری. *مطالعات معماری ایران*، (۵)، ۱۱۵-۱۲۹.
- نژادابراهیمی، احد؛ و نارنگی، مهدی؛ و بیٹی، حامد؛ کی‌نژاد، سلوی و پورجواد اصل، باقر. (۱۳۹۳). *طرح مطالعات و پژوهش برای ارائه الگوی طرح مرمت و بازسازی خانه‌های تاریخی تبریز (مطالعه موردی: خانه تاریخی صدقیانی)*. (طرح پژوهشی منتشر نشده). دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران.
- نقره‌کار، عبدالحمید. (۱۳۸۷). *درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی*. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، معاونت معماری و شهرسازی.



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:
پور جواد اصل، باقر و بیٹی، حامد. (۱۴۰۱). رهیافت‌هایی از نمای خانه‌های تاریخی جهت به‌کارگیری در نمای ساختمان‌های نوساز (نمونه موردی: خانه‌های تاریخی تبریز). *باغ نظر*، ۱۹ (۱۰۷)، ۸۵-۹۸.

DOI:10.22034/BAGH.2021.296407.4953
URL: http://www.bagh-sj.com/article_145273.html

